

درباب حکومت

از طهران وکیل قائم مقام تلگرافاً خبر داده حسب الامر رئیس الوزراء ایوب خان سرتیپ بایک عد وقزاق مأمور است در استرآباد شمارا دستگیر کرده به طهران بفرستند. شب ۱۶ معزی الیه یک عده از علما و تجار را احضار کرده شرح حال برای ایشان بیان می نماید. استرآبادیها جواب داده مالا و جاناً باشما همراهی خواهیم کرد. دارالحکومه باقائم مقام قسم خوردند که اتحاد داشته باشند. چندی است به توسط علیقلی خان مسعودالملک هزارجریبی بین استرآبادی و اهالی مازندران را عقد اتحادی نموده تراکمه را هم محرک هستند. متفقاً باگموش تپه قرارداد دولت انگلیس را نمی خواهیم. زیر بار اوامر دولت هم نمی روند. ضمناً منتشر کرده اند قوام السلطنه را هم دولت احضار کرده، اهالی مشهد ازدحام نموده مانع از حرکت ایشان شده اند. عقیده مسعودالملک این است که خط مازندران را بد استرآباد وصل و اتحادی نموده ضمیمه خراسان و جزو فرمانروائی قوام السلطنه قرار بدهند. صبح ۱۶ مرج قائم مقام «وکالت» را احضار کرده شرحی مذاکره حالات خود را نموده که پیغام خدمت جناب شارل شارژدافر عرضه بدارم. در تبریز به ملاحظه دولت با انگلیسیها خدمات شایانی نمودم و گمان می کردم بر حسب وعده ایشان در موقع تنگ وباریک از من نگاهداری نمایند. در این موقع ریاست الوزراء از من سوءظنی حاصل کرده که من امنیت جانی و مالی ندارم به طهران بروم. تلگرافاً متوسل بدجناب وزیر مختار شدم ابدأ جوابی ندادند. باین زحمات یکساله و رشادت جبلی در سرحد استرآباد بانداشتن قوه و قشون کاری عجیبورم از استرآباد کناره جوئی کرده، سزاوار نیست که امنیت جانی نداشته باشم. حتی المقدور باید دفاع نمایم. به گنبد قابوس می روم. ظهیرالملک حکومت استرآباد است. از طرف رئیس الوزراء هرآینه یا از سفارت انگلیس اطمینان کاملی به من دادند مراجعت می کنم، والا با عده سوار خود در گنبد قابوس ساکن شده، یا اینکه به مشهد رفته ملحق بقوام السلطنه می شوم ۱۹۶. نایب الحکومه و سایر اجزاء که در شهر هستند شخصاً با عده ای سوار بعد از ظهر به طرف گنبد قابوس رفتند. تا چه شود.

درباب رئیس مالیه سعد السلطنه و لد مرحوم میرزا ابوالقاسم خان مستوفی

ساکن کاشان نبیره قوام الدوله مرحوم

به عرض رفته بود میرزا عبدالحسین خان نایب الحکومه با سعد السلطنه و مفتش مالیه برای حراج اجناس لیانازوف به قراسو رفته اند. بدستور قائم مقام ملاخان رئیس سوار طایفه جعفربائی با بیست نفر سوار همراه برداشته به قراسو می رود. رئیس مالیه را با مفتش کتک زیادی زده تحت الحفظ به او بدهش اوسقه برده پنج هزار تومان حقوق سوارهای ترکمان را مطالبه دارند. مطالب [را] تلگرافاً به طهران اطلاع می دهند. تا چه اقتضا کند.

درباب تلگراف رئیس الوزراء

خطاباً به عبدالحسین خان نایب الحکومه استرآباد: گرفتن فرمانفرمایان و عین الدوله‌ها و غیره ربطی بد حکومت استرآباد نداشته، انتشاراتی اگر بدایشان داده شده بی ربط ۱۹۷ است. به موجب این تلگراف فوری بفرستید قائم مقام مستقلاً به حکومت استرآباد مراجعت کرده مشغول به رسیدگی امورات سرحدی باشند. مخصوصاً آدمی بفرستید در جعفربائی تراکمه رانصیحت کرده، رئیس مالیه و مفتش [را] خلاص کرده بیاورند. هرآینه در خلاصی ایشان کوتاهی بشود از ناحیه قائم مقام است. صبح هفدهم آقامیرزاهادی برای استخلاص سعدالسلطنه به صحرا رفتند و عده [ای] مرکب از آقامیرزا مهدی مجتهد، شیخ باقر شاهکوئی، لواء الدوله رئیس قشون، منصور الممالک رئیس عدلیه و دوسه نفر دیگر [رفته] مقارن غروب حرکت کرده برای مراجعت قائم مقام به کتول رفته‌اند. تاچه اقتضا کند.

درباب جواب ترکمانها برای رئیس مالیه

تراکمه در جواب آقا میرزاهادی اظهار داشته [اند] ما حقوق خودمان را از مشارالیه نگیریم نمی‌شود. آقامیرزا هادی مراجعت [کرده]، از قرار معلوم برای مراجعت کردن حکومت تراکمه و ملاخان دستوری دارد که رئیس عدلیه را برای ورود حکومت به شهر آورده تقدیم نمایند. تاچه اقتضا کند.

درباب ورود

شب نوزدهم ماه مرچ ایوب خان سرتیپ و یکصد و هشت نفر قزاق وارد شدند. این دوروزه ظرف بیست و چهار ساعت برف زیادی آمده هوا خیلی سرد است. بدقزاقهای خیلی سخت... ۱۹۸

نمره ۹

۷ ماه اپریل ۱۹۲۱

درباب حکومت

اشخاصی که برای مراجعت قائم مقام در کتول رفته بودند توقف کرده معظم‌الیه از فندرسک مراجعت بنمایند. دوشب میهمان امیرامجد، و یک شب به قریه نوده سه فرسخی مشرقی مانده روز بیست و پنجم ماه مرچ یک عده سوار جعفربائی استقبال آمده بعد از ظهر وارد به شهر می‌شوند. در ضمن رئیس مالیه را که در حبس تراکمه جعفربائی بوده

۱۹۷- اصل: بی ربطت.

۱۹۸- جاهای نقطه چین شده دوسه کلمه است که محو شده است.

آوردند. اسب و ساعت و لباس او را ندادند. حکومت برای ترضیه خاطر ۱۹۹ رئیس مالیه سعدالسلطنه می‌رود. اظهار می‌دارد ابدأ من اطلاعی از این کار نداشتم. تبری می‌جوید. در صورتیکه به تحریک ایشان این اتفاق افتاده. لکن رئیس مالیه برای انتقال خود از مأموریت خود مستعفی شده تقاضا کرده است که به شاهرود بروند. تاچه شود.

درباب قزاق

يك عده قزاق سابق که در گنبد قابوس رفته بودند، مهدی شاه ایلخانی برای محافظت و کمک خود لازم داشته تاکنون عده قزاق را مرخص نکرده است. در رامیان توقف دارند.

درباب حکومت

رئیس کابینه که از فامیل قائم مقام می‌باشد برای اصلاح امورات و ترضیه خاطر ۱۹۹ رئیس الوزراء بیست و هشتم ماه مرج به طهران رفتند. تاچه شود.

درباب قاتل

بدعرض رسانیده يك نفر سید بسطامی را در خاک فندرسك بدقتل رسانیده است حسب الامر حکومت امیرامجد ترکمان قاتل [را] دستگیر کرده تحت الحفظ غره ماه اپریل خدمت حکمران آورده حبس کردند.

درباب ورود

پنجم ماه اپریل محسن میرزا رئیس مالیه شاهرود به مأموریت استرآباد وارد شده. سعدالسلطنه بر حسب استعفای خود عزیمت به شاهرود خواهند کرد.

درباب خبر

ایضاً خبر رسید پنجاه نفر بالشویک در حسینقلی توقف [کرده] ولی به طور مسالمت رفتار می‌نمایند.

درباب سرقت

سه نفر رعیت رستاقی يك رأس گامیش تراکمه جعفربائی را از دوفرسخی مغربی سرقت کرده بردند. حسب الامر حکومت سارقین را مغلولاً به شهر آورده چوب مفصلی به آنها زده حبس کردند.

نمره ۱۵۵

۱۸ اپریل ۱۹۲۱

درباب خبر

نهم ماه اپریل میرزا علی اکبر خان نایب الحکومه بندر جز با تلفون به حکومت اطلاع داده سد پراخوت بالشویک وارد بندر جز گردیده، یکی پراخوت پست بود و دو پراخوت تجارتی که مال التجاره حمل کرده از قبیل قوری و استکان، نفظ و کنیاک. لاکن از مشهد سر مراجعت کرده اند. قائم مقام جوابی داده آذوقه به آنها ندهد. همین دوروزه برای ملاقات ایشان بدقرا سو خواهم آمد. تاچه اقتضا کند.

درباب مشروب

شب یازدهم ماه مذکور به قور پاترده نفر قزاق مشروبات زیادی خورده تا صبح بدمستی و شرارت و تیراندازی داشتند. صبح ایوب خان میر پنجه مرتکبین را دستگیر [کرده] عموماً را تازیانه بسته بعد از مجازات حبس کردند. بعد تمام ارامنه را احضار کرده الترامی سخت گرفتند که مشروب نفروشد.

درباب امین الضرب

یک نفر مفتش از طرف حاج حسین آقا امین الضرب وارد بندر جز گردیده به مستغلات ۲۵۰ مشارالیه رسیدگی [کرده] و به استرآباد آمده بدقریه میر محله می روند. به سبب جلوگیری سادات شیرنگی از آب ترنگ تپه به تحریک و کیل التجار، رفتند. مجبور گردیده قریه مذکور را به عنوان امانت از قراری ده یک حقوق به آقا علی خان مقصود لوی داده توجه بنمایند. تاچه اقتضا کند.

درباب بیانیه روزنامه

یک نمره روزنامه شرحی از گرفتن قوام السلطنه و رئیس تلگرافخانه مشهد و حاج ملک التجار که به سختی آنها را مغلولاً بد طهران برده اند نوشته اند. قائم مقام از این خبر متوحش گردیده به عنوان تفرج و رسیدگی به امورات جعفر بانی بهانه کرده روز ۱۴ ماه اپریل با چند نفر اجزاء شخصی بد جعفر بانی می روند. تاچه اقتضا کند.

درباب تفنگ

چندی است از طرف کردستان از راه گنبد قابوس تفنگهای ده تیره انگلیسی را زیاد حمل می نمایند که حالیه تفنگ کوتاه قد را شصت تومان و بلند قد را چهل تومان

می‌خرند، و باقی تفنگهای سیستم مختلف را از ده تومان الی بیست تومان متجاوز می‌خرند.
(حسینقلی آقا) ۲۵۱

نمره ۱۱۵

۲۸ ماه اپریل ۱۹۲۱

در باب تبلیغ

بدعرض رفته بود سه پراخوت وارد در عشوراده گردیده است. دونفر قفقازی با دونفر گرجی از راه بندر جز بد استرآباد آمده [در] چند نقطه اظهارات مرام بالشویکی را نموده‌اند. ایضاً قائم‌مقام درگموش تپه رؤسای جعفربائی [را] احضار نموده از طرف بالشویکها اخطار می‌نمایند. بدعنوان تجارت در شهر وگموش تپه وقراسو و بندر جز چند درب دکان باز نمایند. ترکمانها اوامر حکومت را رد نموده عرض کردند ابداً بالشویکها را در جعفربائی راه نمی‌دهیم. لکن در بندر جز میرزا علی اکبر خان با حبیب‌الله خان گماشته مالیده که داماد اعتصام‌الممالک می‌باشند و سه نفر دیگر علناً از طرف فرقه بالشویکها مردم را تبلیغ می‌نمایند. تاجچه شود.

در باب خبر

بیست و چهارم ماه اپریل خبر رسید حسب الامر ریاست وزراء ۲۵۲ محتشم‌الدوله رئیس قشون شاهرود را با حاج افخم‌الدوله نایب‌الحکومه امیر اعظم دستگیر [کرده] و مغولان به طهران فرستادند.

در باب حکومت

بدعرض رسانیده بود که قائم‌مقام از شهر طفره [و] بدست جعفربائی رفته‌اند. اما رمضانعلی وکیل‌التجار راهم این مقدمه متوحش ساخته به گموش تپه رفته‌اند. منتشر است يك عده دویست نفری قزاق به‌اموریت استرآباد عمأقرب وارد خواهند شد، لکن حکومت استرآباد به‌دوام این کابینه دولتی عقیده ندارد ۲۵۲. مقصود از طفره تغییر کابینه را مد نظر دارد. در ضمن هم بالشویکها را به استرآباد دعوت می‌نماید. تاجچه اقتضا کند.

در باب تلگراف

وزارت خارجه تلگرافی رمز به کار گزار استرآباد نموده‌اند غدغن نمایند آذوقه ابدأ

۲۵۱- از مواردی است که صریحاً نام مخبره‌کننده مطالب در کتابچه قید شده است.

۲۵۲- اصل: ریاست‌الوزراء (در همه موارد پس و پیش). ازین پس همدجا آنرا بدریاست‌وزراء

اصلاح کردیم و دیگر متذکر موارد نخواهیم شد.

۲۵۳- در مورد کابینه سیدضیا قابل توجه است.

به روسیه نرود. مال التجاره بالشویکها را با برنج معاوضه نکنند. کار گزار سواد تلگراف را برای حکومت فرستاده. از قرار مذکور قرارداد ایران با دولت بالشویکی نقض گردیده است. تاچه شود.

درباب تلگراف

۲۶ ماه مذکور آقا سید ضیاءالدین ریاست وزراء تلگرافی متحدالمال به حکومت استرآباد نموده اند: در ادارات اشخاصی که تریاک می کشند خارج نمایند. تاچه شود.
درباب ارزاق: برنج صدری چهل من تبریز ده تومان — برنج گرده هشت تومان — گندم شش تومان — جو شش تومان — قند پوط چهارده تومان — شکر سفید ده تومان چای شاترده تومان گوشت يك من تبریز چهار هزار — مرغ عدد دوهزار — پشم پوط يك تومان — پنبه پوط دو تومان — نفع پوت هفت هزار — عدس يك من دو هزار لوبیا چهار هزار — کشمش پوط دو تومان —

نمره ۱۲

۵ ماه می ۱۹۲۱

درباب نزاع

۲۹ ماه اپریل حکومت استرآباد به عنوان عروسی چندی است درگموش تپه توقف می نمایند. طایفه جعفربائی بعد از اتمام عروسی در مقام تقاص برآمده دونفر ترکمان قرقچی را تیر و به قتل می رسانند. طایفه مقتول به فاصله دوز سه نفر از جعفربائی را به قتل رسانیده مجدداً تجدید خصومت گردیده، از قرار مذکور دو بیست نفر سوار آقاولی به گنبد قابوس هجوم آورده مشغول جنگ شده اند. تاچه اقتضا کند.

درباب اسیر

سه نفر شمس آبادی به طایفه ایلغی می روند. طایفه قرقچی آنها را اسیر کرده به اترک می برند. بعد از دوسه بار به ترکمانها داده رهانمودند.

درباب قزاق

قائم مقام بر حسب تلگراف ریاست وزراء يك عده قزاق را به گموش تپه احضار نموده پنجاه نفر در آنجا قراول گذارده، ده نفر به عشوراده فرستاده، ده نفر هم در قراسوبه اتفاق قزاقهای شخصی بندر جز رفته دوشب در منزل لامیک (?) مسیحی قراپطیانس دعوت داشته، ده نفر قزاق را به حکومت بندر جز سپرده مراجعت به کردمحله يك شب توقف نموده، روز سیم ماه می را برای صرف ناهار درسندن يك فرسخی مغربی میهمان مسعودالملک هزار

جریبی بوده طرف عمری وارد به شهر شدند. تاجه اقتضا کند.

درباب تلگراف

به عرض رسانیده ریاست وزراء به معاون مالیه استرآباد قدغن کرده است حقوق کلیه ادارات را از حکومت و کارگزاری و غیره را توقیف نموده. ثانیاً بر مستغلات^{۲۰۴} افزوده اند. اهالی از این اضافه گرفتن مالیات بدیدا درآمده چند روز است در هر نقطه و مجالس اوامر سید ضیاءالدین را نقض کرده بدگوئی و فحش به ایشان می دهند و می گویند معظم‌الیه با دولت انگلیس باطناً قراردادی کرده [است] ایران را بکلی واگذار و سلطان احمدشاه را از سلطنت خلع نمایند.^{۲۰۵}

درباب جشن

روز پنجم ماه می حسب الامر حکومت از طرف نظمیه جار کشیدند دوشب در بازار چراغبانی مفصلی نمایند. شب ششم اداره جات دولت جشن خواهند گرفت. تاجه اقتضا کند.

نمره ۱۳

۱۳ ماه می ۱۹۲۱

درباب قتل

هفتم ماه می یک نفر ترکمان جعفر بائی با سه نفر رعیت کتولی به انضمام شش بار برنج به شهر می آمدند (؟) صحرای کمالان چهار فرسخی مشرقی تراکمه داز بسخو داشته شلیک تفنگ می نمایند. ترکمان جعفر بائی با دو نفر کتولی مقتول [شده]، دو رأس یابو تیر گرفته بارهای برنج را می برند.

درباب سرقت

شب هشتم ماه مذکور دزد طایفه اتابائی سه رأس مال از قریه علوی کلاته، پنج رأس مال از قریه اوزیند سرقت بردند.

درباب توقیف

حسب الامر ریاست وزراء آنچه نطف برای آرامنه بندر جز وارد گردیده کار گزار توقیف نموده است.

۲۰۴ - اصل: مستغلات.

۲۰۵ - از قسمتهای قابل توجه درباره دوره زمامداری سید ضیاء است.

درباب سرقت

شب نهم ماه می ساعت شش از شب يك نفر آژان مستحفظ محل منزل «وکالت» خبر می دهد سوار ترکمان پشت دروازه آمده گوسفندهای خود را محافظت نمایند. فوراً چند نفر تفنگچی فرستادم جلوگیری نمودند. اگرچه از این اطلاع آژان ممنون گردیده، لکن بر حسب تحریک حکومت که عمداً استرآباد را منقلب نماید، ترکمانهای مزبور يك دسته به قریه جعفرآباد نیم فرسخی شهر رفته دو رأس ورزا، يك رأس مال و کالت را سرقت کرده، پنج رأس گاو هم از توی شهر که مال رعیت بنده است سرقت نمود. بردند. مطالب را کتباً به حکومت اطلاع داده تاکنون نتیجه به ظهور نرسیده است. تا چه شود.

درباب نواقل

در طهران چنانچه نواقل از هر قبیل اجناس و مأكولات حسب الامر گرفته می شود، لکن استرآباد نسبت به سایر شهرهای ایران فرق دارد. بدعت آنکه دشمنی (?) دارند، دو فرسخ مسافت با شهر دارد. ثانیاً در طهران هیزم را خروازی پنج تومان می فروشند پنج هزار نواقل می دهند. زغال خروازی پانزده تومان، پانزده هزار وجه نواقل را بدون اکراه خواهد داد، نداینکه در استرآباد هیزم الاغی را دو قران بفروشند يك قران نواقل بدهند. زغال باری چهار قران را سی شاهی بدهند. از دومن پنیر يك قران، از پنجاه عدد تخم مرغ يك قران. آن هم باین ترکمان وحشی که مردم صاحب مال و جان نمی باشند. يك طرف ترکمان می چابد، يك طرف اجزاء نواقل باقوه سرنیزه. کسی که در استرآباد پنج هزار تومان اموال و مواشی داشته به فاصله دو ساعت ترکمان به غارت که می برد دیگر صاحب مال نخواهد بود. در ضمن مالیات فوق العاده هم مجبور است که بدهد چگونه می تواند در دنیا زندگانی به سر برد.

نمره ۱۴۵

۱۹ ماه می ۱۹۲۱

درباب چپاول

۱۳ ماه می خبر رسید سوار طایفه داز یکمعد و سی فرد گاو از قریه محمدآباد کتول شش فرسخی مشرقی چپاول کرده بردند.

درباب خبر

ایضاً از مازندران خبر رسید بین اسمعیل خان 'میرمؤید با ژاندارم اصلاح نشده است، طرفین مستعد جنگ گردیده، قزاقهای مأمور استرآباد منتظر ورود ژاندارم هستند که به سمت مازندران حرکت نمایند.

در باب تراکمه

شب ۱۴ ماه مذکور سه از شب گذشته صدوپنجاه سوار ترکمان بیرون دروازه شهر وارد [شده] روی حصار آمده يك ساعت شليك تفنگ نموده رفتند. می گویند دولت یانواقل دروازه را بردارد، یا علناً توی شهر آدم می بریم. چنانکه ۲۰۶ شب مذکور غفار تراکمه توی شهر می رود حسن نام بسطامی را اسیر کرده بهاترك بردند. تعدیات اجزاء نواقل باعث فساد و آشوب است. ترکمان از شهر يك من زغال می برد ده شاهی، يك قران نواقل می گیرند. بدتازگی در شهر گمرک را دایر نموده اند. صمدخان رئیس گمرک است. از نفع و مال التجاره آنچه وارد می شود گمرک می گیرند. مراجعت تراکمه از شهر نواقل هم به ناچار ۲۰۷ می دهند. ایلات وحشی که تا به حال مالیات به دولت نداده این همه تحمیلات و تعدیات را مشاهده کرده قهراً شرارت [نموده] و یاغی می شوند.

در باب حکومت

روز ۱۶ ماه می آقا حسینعلی ۲۰۸ پسر حاجی مهدی تاجر اظهار داشته شهر نظامی است. کارها راجع به ایوب خان قزاق است. خبر بدقائم مقام می دهند، فوراً مشارالیه را احضار کرده يك ساعت چوب می زنند. بداین جهت بین حکومت و میر پنجه قزاق نگرانی حاصل شده طرفین به طهران شکایت می نمایند. لکن بر حسب مصلحت روزگار حکومت به منزل ایوب خان رفته معذرت خواهی [نموده] ظاهراً اصلاحی نموده اند.

در باب بالشویکها

ایضاً قلی بابا (؟) ارمنی باعیال خود به عنوان تجارت وارد به منزل دکتر گرجی گردیده ارسال مرسول با فرقه بالشویکی داشتند. کاغذی از ایشان به دست آمده به حکومت می دهند. امر نموده تمام ارمنیها را گرفتند. استنطاق نموده، ارشک ۲۰۹ نام مسیحی را که رعیت روس و ساکن استرآباد بوده اقرار به اعمال خود می نمایند. يك شب دارالحکومه تماماً حبس بودند. بعد ارشک نام را بادونفر قراسوران به سمت شاهرود فرستاده به طهران ببرند. چهار فرسخی مشرقی قراسوران را باقنداق تفنگ توی سرش می زنند و به جنگل فرار می نمایند. عجالتاً جهانگیر پدر ارشک مسیحی را با دونفر قراسوران گرفته حبس می باشند. ارامند را بعد از استنطاق بعضی که ساکن استرآباد بوده تقصیری نداشته مرخص نمودند. دکتر گرجی را با قلی بابا و عیال او را گرفته که مبلغ بالشویکی هستید در حبس بوده تا تبعید نمایند. لکن از طرف بالشویکها همه روزه در استرآباد آمده، حتی صورت خاندها و متمولین و غیره را اهالی بادکوبه اطلاع دارند. تاچه اقتضا کند.

۲۰۶- اصل: چناناً.

۲۰۷- اصل: ناچاراً.

۲۰۸- حسینقلی هم خوانده می شود.

۲۰۹- شاید: آرشک.

نمره ۱۵۵

۳۰ ماه می ۱۹۲۱

درباب اسیر و قتل فیوج

بیست و یکم ماه می تراکمده قرقچی حاج رمضان فیوج را بایک رأس مادیان گرفته بهاترك برده مطالبه یکمده و پنجاه تومان حق الزحمه می نمایند. لکن منتشر است اورا به قتل رسانیده اند.

درباب اسیر

ایضاً شب بیست و دویم تراکمده طایفه آق به شهر آمده دوسه نفر اطراف شهر را بر علیه اجزاء نواقل شلیک تفنگ نموده یک نفر رعیت مجروح [شده] دونفر مستحفظ زراعت را گرفته بهاترك بردند.

درباب بالشویکها

بیست و سیم ماه می به قرب بیست و دونفر بالشویک مرد وزن از راه بندر جز به استرآباد آمده، اجزاء وزیر مختار دولت «سویت» روسیه هستند. دوملیون پول سفید و طلا همراه داشته دوشب در منزل قائم مقام توقف [کرده] و پذیرائی از آنها [می شود]. مال مکاری گرفته از راه شاهرود عزیمت به طهران نمودند.

درباب استعفای حکومت

قائم مقام دوسه تلگراف به ریاست وزراء استعفا از حکومت استرآباد نوشته. اخیراً جواب داده شد منتظر مکتوب باشید. تا اینکه شب بیست و پنجم ماه مذکور اعلیحضرت احمدشاه تلگراف می نماید که ما میرزا سید ضیاء الدین را برای آسودگی حال ایران معزول نمودیم. عمأقرب تشکیل کابینه خواهد شد. حکومت از این خبر نهایت خرسند و بشاش گردیده لکن اوضاع استرآباد بکلی برهم خورده، شبها کسی جرأت ۲۱۰ نمی کند از منزل خود بیرون برود یا اسیر تراکمده، یا مقتول خواهد شد. اولاً محرك شخص حکومت است. هر آینه حکومت مستقل هم باشد دیگر نمی تواند از عهده جلوگیری ترکمانها بر آید. ثانیاً ایلات یاغی شده شب و روز مشغول بردن اسیر و قتل می باشند.

درباب قتل

شب بیست و هشتم ماه می خبر رسید یعقوبعلی سلطان لیوانی که سابقاً دوهزار خانوار رعیت از شرارت مشارالیه متواری بوده و چندین قتل نموده به تحریک کسان مقتولین

در جنگل لیوان او را به قتل رسانیده و قطعه قطعه اعضای آن را نمودند. حکومت بندر جز دوسه نفر از تجار لیوانی را دستگیر کرده است. تاجه اقتضا کند.

نمره ۱۶۵

۱۳ ماه جون ۱۹۲۱

درباب قتل

غره ماه جون خبر رسید دوفنر تراکمه آقاولی در گنبد قابوس دکان خیاطی رفته لباس خرید نمایند. خیاط گفت لباس نسبه نمی دهم. ترکمانها تعرضاً مراجعت به او به دوفنر... ۲۱۱ [را] که اهل بسطام بوده [اند] به قتل رسانیده الاغ آنها با وجهی بردند.

درباب قتل

ایضاً سیم ماه مذکور تراکمه جعفر بانی به قریه سدن یک فرسخی مغربی [رفته] یک نفر [را] مقتول [ساخته] یک رأس مال او را بردند.

درباب چپاول

ایضاً تراکمه قرقچی دو رأس مال از ملازم حاج محمد رحیم تاجر نیم فرسخی شهر چپاول کرده بردند. حاج مذکور هم یک نفر ترکمان را گرو نموده مالها را مسترد می نمایند. تاجه اقتضا کند.

درباب قزاقها

به موجب شکایت قائم مقام از دست ایوب خان میر پنجه قزاق به ریاست وزراء عده ای قزاق را مأمور مازندران نموده اند. بر حسب شکایات عدیده از ژاندارم که رؤسای مازندران نموده بودند ژاندارم مأمور استرآباد گردیده، روز پنجم ماه جون قزاقها حرکت به سازی [نمودند]. ایوب خان مشغول به رسیدگی محاسبات و قروض قزاقها شده، به رضایت اهالی شهر روز هفتم ماه مذکور به مقر مزبور حرکت نموده رفتند. ایضاً دو یست نفر پیاده ژاندارم وارد شدند.

درباب چپاول

ایضاً روز هشتم تراکمه اتابانی سهرأس مال از نیم فرسخی چپاول کرده بردند. به حکومت عارض می شوند. جواب داده: چون دولت هرج ۲۱۲ و مرج است چهار ماه حقوق

۲۱۱ - یک کلمه ناخوانا.

۲۱۲ - اصل: حرج.

بدین نرسیده سوار یموت هم حقوق نداده، کراراً از حکومت استرآباد استعفا داده جواب نمی‌رسد، لهذا خود دانید. به‌موجب اجازه معزی‌الیه فوراً دونفر ترکمان را گرو می‌نمایند. تاجه اقتضا کند.

درباب سرقت

ایضاً خبر رسید تراکه داز سدفرف کتولی رالخت [کرده] یکصد و پنجاه فرد گاو از قریه پیچاک محله ۲۱۲ شش فرسخی مشرقی چپاول کردند.

درباب اسیر

دهم ماه جون خبر رسید تراکه طایفه ایلیغی دونفر رعیت از قریه سرخونکلاته اسیر کرده بردند.

درباب قتل

شب ۱۲ ماه جون تراکه اتابائی بدقریه علوی کلاته رفته یک نفر رعیت را مقتول [ساخته] و یک نفر هم اسیر، دورأس مال هم بردند. تاجه اقتضا کند.

درباب ژاندارم

۱۳ ماه مذکور میرزا علی اکبر خان نائینی نایب‌الحکومه بندر به حکومت تلگرافاً خبر می‌دهد کلنل فرج‌الله خان ۲۱۴ با دو بیست ژاندارم وارد [شده] یک شب در کردمحله توقف روز [کرده] ۱۴ [ماه] وارد خواهند شد.

نمره ۱۷۵

۲۵ ماه جون ۱۹۲۱

درباب ورود

۱۳ ماه جون از طرف حکومت و سایر ادارات جمعی استقبال کلنل فرج‌الله خان رفتند مقارن ظهر با عده‌ای ژاندارم وارد [شده] یکصد سوار، دوعراده توپ، دو بیست و پنجاه نفر پیاده هستند. از قرار مذکور سیصد و پنجاه نفر هم بعد خواهند آمد. کلنل مذکور اظهار می‌دارد شش ماهه مأموریت دارند که تراکه را مجازات و اسلحه راجمع نمایند و بدقرب پانزده هزار تومان اثاثیه ژاندارم را در مازندران امانت گذارده خیلی مایل به مراجعت هستند. این چند روزه همه شب ترکمان به ضدیت نواقل و ژاندارم اطراف

۲۱۳- (= پیچاک محله).

۲۱۴- ظاهراً فرج‌الله آقاولی که بعداً به سپیدی رسید.

شهر آمده اتصالاً از طرفین تیر خالی شده، لکن آسیبی ندی رسد. تاچه اقتضا کند.

در باب حبس

ایضاً حکومت سه نفر ارامنه را بدعنوان بالشویکی توقیف کرده، از قرار مذکور خاطر ۲۱۵ خواه عیال یکی از ارامنه می باشد. مقصود بدعمل نیامده بهانه جوئی [نموده] بیچاره ها را حبس می نماید.

در باب ورود

پانزدهم ماه جون حسب الامر حکومت میرزا علی اکبر خان حکومت بندر با رئیس گمرک به استرآباد آمده تلگرافاً خبر رسید يك پراخوت که دارای سی و یک نفر بالشویک می باشد اجزاء سفارت طهران هستند وارد [شده اند]. لکن اجازه خارج شدن از پراخوت بدانها داده نشده است. تاچه اقتضا کند. حینقی.

در باب چپاول

ایضا بدتحریک قائم مقام میرزاهاشم و آقا هادی که پارتی مشارالیه هستند تراکمه جعفر بائی را محرک شده یازده نفر ترکمان بدچمن ساور می روند. خیابان بندر جز مشهور بدگدوک بار کلاه مال التجاره حمل بدشاهرود می شود. شصت رأس قاطر چپاول کرده، يك رأس مال هم در گدوک صندوق جهان نما بایک نفر دامغانی دستگیر نموده بردند. رسیدن این خبر بدحکومت فوراً تمام رؤسا و تجار و علمای استرآباد را بددارالحکومه احضار نموده بدواسطه رسیدن حقوق و نداشتن سواریموتی راشرحی پیشنهاد کرده اهالی و حضار مجلس مجبوراً بددولت تلگراف نمایند دوپست نفر سوار از ترکمان لازم است برای سرحدی. بداین عنوان هم بولی از دولت اخذ نمایند. روز شانزدهم به امر حکومت تلگرافخانه جمعی رفته بدستور قائم مقام تلگرافی مفضل بدریاست وزراء و احمد شاه تظلم می نمایند.

در باب قتل

شب ۱۷ ماه جون تراکمه، طایفه داز بدقریه قرن آباد دوفرسخی مشرقی [رفته] يك رأس مال سرقت [نموده] يك نفر رعیت را مقتول نموده رفتند.

نمره ۱۸۵

۳۰ ماه جون ۱۹۲۱

درباب خط تلگراف

هیجده سال قبل مرحوم علاءالدوله خط تلگرافی از راه فندرسک به گنبد قابوس و چاتلی دایر نموده چهارپنج سال دایر و کار می کرد. انعقاد مشروطه به واسطه یاغی شدن تراکمه، قتل سعدالله خان ایلخانی و چپاول کتول، فوت علی محمدخان تراکمه خط تلگراف را خراب و سیمها را به یغما بردند. چندی قبل قائم مقام به دولت پیشنهاد نموده نقطه مزبور را مجدداً سیم بکشند. کربلائی علی خان معمار [را] که نجار می باشد فرستاده بازدید نموده امر شد از شاهکوه اصله به فندرسک و کتول حمل نمایند. تاچه اقتضا کند.

درباب ورود

یک نفر جنرال روسی از طهران به استرآباد آمده. از قراری که اظهار می داشت مأمور حاجی طرخان ۲۱۶ بوده که اتحاد دولت «سویت» روسیه را با دولت ایران محکم نمایند. تاچه شود.

درباب ورود

به عرض رسانیده بود سی و یک نفر بالشویک وارد بندر جز شده اند. حکومت استرآباد اجازه داده در بندر مال مکاری کرایه نموده به انضمام یکصد و شصت جعبه پول سفید حرکت به طهران از راه دامغان نمایند.

درباب تلگراف

اهالی استرآباد که به اغوای حکومت در تلگرافخانه تحصن و تظلم نموده اند که دولت پول بفرستد در ضمن هم استدعای عفو مالیات غیر مستقیم را نموده بودند روز بیست و دویم تلگراف متحدالمال رسید دولت بکلی مالیات غیر مستقیم را صرف نظر نموده بخشیدند.

درباب بودجه حکومت

تغییر بودجه از طرف ریاست وزراء که برای حکومت استرآباد که تصویب شده است: حکومت ماهی هشتصد تومان - معاون یکصد و پنجاه تومان - رئیس کابینه بادو نفر منشی یکصد و شصت تومان - دو نفر پیشخدمت نفری ماهی پانزده تومان. حکومت بندر جز با اجزاء ماهی دو بیست تومان. حکومت گنبد قابوس ماهی یکصد تومان -

حکومت کردمحلہ ماہی پنجاہ تومان است.

درباب بندر جز

میرزا علی اکبرخان حاکم بندر به واسطه خصوصیت بافرقه بالشویک و گرفتن وجه و بعضی اشیاء نفیسه از آنها درضمن برای اضافه شدن حقوق بندر جز قائم مقام اورا معزول کرده از آقا بزرگ خان اترانی مبلغ سیصد تومان وجه نقد، [گرفته] و قرارداد نموده همان ماہی پنجاہ تومان حقوق به مأموریت بندر فرستادند.

درباب تعیین حقوق

عده ژاندارم که به استرآباد وارد شده اند تا کنون بلا تکلیف چهار ماه حقوق به آنها نرسیده. یکصد نفر سرباز و چهارده نفر صاحب منصب مأمورین استرآباد پنج ماه است حقوق نگرفته اند. بیست و پنجم ماه مذکور تلگرافخانه متحصن و تلگرافاً تظلم نموده اند. تا چه اقتضا کند.

درباب چپاول

روز ۲۶ ماه جون دوازده رأس مال و قاطر از راه شاهرود به استرآباد می آمدند باری هم نداشتند. یازده نفر ترکمان ایلی در جنگل خیرات بسخو داشته مالهارا چپاول کرده بردند. صاحبان مال به حکومت عارض شده جواب داده چون دولت به من پول نمی دهد از قوه من خارج است. خودتان به دولت تلگراف نمائید پول بدهند که جلوگیری از تراکمه نمائیم.

درباب اغتشاش بلوک [کتول]

روز بیست و هفتم ماه مذکور خبر رسید در بلوک کتول بی اندازه از شدت تاخت و تاز تراکمه رعیت در تعب [بوده] شب و روز مال و اموال رعایا را به غارت می برند. کسی قادر نیست شبها در این خط مسافرت نماید.

درباب قتل

۲۹ ماه جون یک نفر ترکمان اتابائی از شهر به انضمام یک بار آرد به صحرا می رفت. یک فرسخی شمالی اورا مقتول [ساخته] مال و تفنگ اورا بردند.

نمره ۱۹۵

۷ ماه جولای ۱۹۲۱

درباب قتل

غره ماه جولای خبر رسید تراکمه دویجی دونفر رعیت کتولی را به قتل رسانیده مال آنها را بردند.

درباب حکومت

مدتی بود اهالی استرآباد به اغوای قائم مقام تلگراف عدیده به طهران برای ابقاء مشارالیه می نمودند. يك ماه است از سوء اعمال و افعال قبیحه مشارالیه خبردار شده، وکیل التجار و آقا علی خان فهمیدانده که معزی الیه زنه‌ای فاحشه را در عوض زنه‌های محترمین به دیوانخانه برده و بیشر [می] می نمایند. از حرکات و تحریکات تراکمه و بی رحمی مشارالیه شرحی بد حاج شیخ حسین وکیل استرآباد راپرت می دهند، با اینکه ضدیت بین ایشان مرفوع شده است دویم ماه مذکور ده هزار تومان از تجار به عنوان قرض می خواهد. هر آینه امتناع از دادن وجه نمایند هر نوعی که اقتضا نماید بی احترامی و جریمه از تجار بگیرند. مطالب را وکیل التجار و آقا علی خان درک کرده شبانه تهیه شورش را گرفتند. صبح زود جمعی از اهالی بدقرب یکمدر نمر در تلگرافخانه متحصن شده، توسط وکیل استرآباد به مجلس دارالشورا تنظیم می نمایند. بدفاصله دو روز اسباب حرکت حکومت را از استرآباد فراهم کرده، روز پنجم ماه جولای پنجاه شصت مال مکاری برای حمل بنه حاضر ۲۱۷ کرده متهورانه ۲۱۸ او را با اجزاء بیرون نمودند. زمان حرکت اعتصام الممالک را احضار [کرده] عجالتاً معاونت را موقنی واگذار به معزی الیه نموده رفتند. شرحی اهالی استرآباد بعد از رفتن قائم مقام [از] تعدیات و بداخلاقی و تحریک تراکمه و خصوصیت بافرقه بالشویکی را و گرفتن وجوهات بی مأخذ را از دولت به مجلس تلگرافاً راپرت داده و حکومت فعالی را خواستگار شده اند.

درباب قتل

ایضاً خبر رسید تراکمه طایفه بدراق و قجق پنج نفر آدم در فندرسک به قتل رسانیده مال آنها [را] بردند.

درباب جواب عارضین تلگرافخانه

صبح ششم ماه مذکور حاج شیخ حسین وکیل در جواب تجار تلگراف می نماید:

۲۱۷- اصل: حاضر.

۲۱۸- اصل: تهورانه.

عرایضات شمارا به ریاست وزراء عرض نموده دولت حکومت را احضار عمماً قریب اسباب آسایش عمومی فراهم و حکومت فعال روانه خواهد شد.

درباب تلگراف

روز هفتم ماه جولای ریاست وزراء قوام الساطنه کفالت استر اباد را بداعتصام الممالک رسماً واگذار نموده اند.

نمره ۲۵۵

۲۱ جولای ۱۹۲۱

درباب قتل

نهم ماه جولای يك نفر رعیت سرخونکلاته مراجعت از شهر مصادف بادونفر ترکمان اتابائی می شود. تراکمه برای او تیری خالی کرده به اسب وارد [می شود] و به زمین می خورد. ترکمانها می روند تفنگ اورا بگیرند. هردونفر را تیرزده مقتول و تفنگهای مقتولین را به شهر آورده تسلیم آقاعلی خان می نمایند. تاچه اقتضا کند.

درباب چپاول

ایضاً خبر رسید هفت نفر تراکمه ایلغی پیاده به جنگل خیرات بسخو داشته، هشت رأس مال مکاری را چپاول می نمایند.

درباب چپاول

ایضاً تراکمه جعفربائی جنب قریه هاشم آباد دوفرسخی مشرقی هشت رأس مال بادونفر شهری را گرفته بردند. روز دیگر به توسط آقامیرزا هادی مسترد نمودند.

درباب قتل

يك نفر از سوارهای ترك متعلق به قائم مقام بوده در جزء مأموریت رفته بود. خبر رسید شب یازدهم جولای دونفر دزد مال اورا بار کرده می برند. سوار تعاقب مال می رود. سارقین اورا تفنگ زده مقتول شد. حکومت بندر جز تحقیق نموده به حکومت تلگراف می نماید قاتل سوار دونفر طالقانی که در جنگلها منزل دارند می باشند. اقدامی برای گرفتن آنها خواهد شد. تاچه اقتضا کند.

درباب سرقت

ایضاً خبر رسید تراکمه طایفه ایلغی سه رأس مال از قریه میرمحله چپاول

کرده بردند.

درباب گردمحله

اولاً شهر نظامی است. از طرف کلنل فریچ الله خان يك عده هفتاد نفر ژاندارم به ریاست يك نفر سلطان برای محافظت خط راه گردمحله فرستاده که سی نفر در قراسو ساخلو بوده باشند.

درباب فرار

ژاندارم کلیه از آمدن به استرآباد بی میل هستند. مدتی است حقوق به آنها نمی رسد. در این چندروزه بیست نفر متجاوز فرار کرده، بعضی به کوهستان و برخی به صحرای یموت پناهنده شده اند.

درباب چپاول

چهاردهم ماه جولای يك عده سوار طایفه جعفربائی که پارتی قائم مقام بوده اند و قبل از عزیمت به طهران دستور به آنها داده سیصد رأس گامیش از چهارفرسخی مغربی چپاول کرده بردند.

درباب چپاول

ایضاً پسر حاج محمدخان ترکمان که سابقاً قریه قلعه محمود از طرف دولت تیول سوار ایشان بوده با عده [ای] سوار جعفربائی به قریه مزبور رفته که سه دانگ قریه متعلق به من است. بدقرب سی باز خربزه از باغهای قلعه حمل به او به خود نموده، اعتصام الممالک نایب الحکومه او را احضار کرده به شهر آمدند. عجالتاً برای جلوگیری از شرارت آنها قراردادی با مشارالیه نموده که از طرف اداره مالیه در حق پسر حاج محمدخان و ده نفر سوار حقوقی منظور ۲۱۹ نمایند که تراکمه شرارت نکرده باشند.

درباب چپاول

هیجدهم ماه مذکور خبر رسید سوار طایفه جعفربائی هفت رأس مال به انضمام سه نفر آدم از دو فرسخی مغربی اسیر کرده بردند. این شرارت جعفربائی تماماً به تحریک قائم مقام است که شاید دولت او را به استرآباد عودت دهد. در مدت پانزده ماه حکومت استرآباد معزی الیه دویست هزار تومان اضافه دخل برداشت کرده. يك نفر تذکره نویس مشهد این گونه دخل در این مدت نماید حتماً انواع و اقسام اسباب چینی برای توقف استرآباد خواهد نمود.

درباب حکومت

نوزدهم ماه جولای نواب رئیس تلگرافخانه به استرآبادیها راپرت می دهد سردار کل به حکومت استرآباد منصوب گردیده. لکن خبر غیر رسمی است. تاچه اقتضا کند.

درباب وجه

بیستم ماه مذکور چهارهزار تومان حواله تلگرافی به توسط تجار برای اداره ژاندارم داده شده است.

نمره ۲۱

غره اگست ۱۹۲۱

درباب اداره قشونی و غیره

پنج ماه است به اداره کارگزاری و قشونی حقوق نرسیده است. سرباز توپچی و صاحب منصب متفقاً تلگرافخانه رفته متحصن [شده] و تظلم می نمایند. ریاست وزراء برای دولت صرفه جوئی نموده اداره قشونی را منحل و جزو اداره ژاندارم امر نمود بروند. عده سرباز و توپچی از منحل شدن اداره مزبور خوشوقت و ممنون شده، لکن در تحت اوامر اداره ژاندارم هم نمی روند. مبلغ کلی در استرآباد به کسبه مقروض، شبانه تمام توپچی و سرباز فراراً به سمت شاهرود و بسطام می روند. صاحب منصبان به واسطه نرسیدن حقوق کلیه مقروض و پریشان حال [اند] و هیچیک از آنها قوه حرکت از استرآباد را ندارند.

درباب استغای کلنل فرج الله خان

رئیس اداره ژاندارم از مأموریت استرآباد دلخوش نبوده و ضمناً به واسطه نرسیدن حقوق و فرار سی و پنج نفر ژاندارم اظهار کسالت و مرخصی یک ماهه [نموده] روز بیست و دویم ماه جولای از راه شاهرود به طهران رفتند و عده [را] واگذار به سلطان عباس خان نموده از شهر الی چهارفرسخی مشرقی پست برقرار [کرده]، در هر پست یک نفر قراسوران برای بلد است.

درباب چپاول

ایضاً تراکمه جعفربائی در گدوک جهان نما بسخو داشته سهرأس مال مکاری را چپاول کرده بردند.

درباب تلگراف

قائم مقام حکومت سابق استرآباد از شهر به قراسو و از آنجا به گموش تپه و بندرجز

تلفون کشیده بودند. نواب رئیس تلگراف، تلفون را تبدیل به تلگراف نموده دو نفر تلگرافی فرستاده، يك نفر درگموش تپه، يك نفر در قراسو بمانند.

درباب قتل

بیست و چهارم ماه جولای ملارحیم، آقامحمد تاجر استرآبادی به اتفاق حسین نام... ۲۲۰ و آقامحمد ابراهیم به دامغان می روند. بین راه حسین را مقتول [ساخته] نعش بایکصد تومان وجه به دامغان برده اداره ژاندارم اولاً استنطاق بعد اقرار، به دارکشیدند.

درباب قونسول

از طهران به کفیل حکومت تلگراف نموده اند قونسول بالشویکی از روسیه وارد خواهد شد. نهایت احترامات لازمه را می نمایند. انتظار دارند قونسول مذکور وارد بندر بشود که قونسلخانه را تخلیه نمایند. تاچه شود.

درباب قتل

روز مذکور چند عرابه تجارگموش تپه عازم شهر بودند. دوفرسخی شمالی هفت نفر رعایای لمسکی و لامی لنگی سر راه رفته بودند با ترکمانها تصادف [نموده] طرفین نزاع می نمایند. يك نفر ترکمان، يك نفر رعیت لمسکی مقتول، عرابه ها به گموش تپه برگشتند. تلگرافاً بداعتصام الممالک عارض شده اند. حسب الامر پنج نفر از مرتکبین را به شهر آورده مشغول استنطاق هستند. بعضی می گویند به تحریک و کیل التجار است. برخی می گویند به تحریک سردار اشرف و میرزاهادی پسر حاج سید طاهر است. تاچه اقتضا کند.

درباب بندر جز

به عرض رفته بود میرزاعلی اکبرخان بعد از رفتن قائم مقام به حکومت بندر جز می رود. آقا بزرگ خان تلگرافاً به شهادت جمعی از اهالی بندر به ریاست وزراء شکایت می نمایند. دویست تومان به حکومت استرآباد داده، ده روز است از موعد مأموریت نمی گذرد حال کفیل استرآباد میرزاعلی اکبرخان را فرستاده که با روسهای بالشویکی هم دست می باشند. رئیس وزراء تلگرافاً امر نموده میرزاعلی اکبرخان مراجعت به شهر [کند] و آقا بزرگ خان مستقیماً حکومت بندر جز بوده باشد.

درباب وکیل استرآباد

حاج شیخ حسین تلگراف نموده برای ملاقات اقوام حرکت کردم. چندی در علی آباد دامغان توقف می نمایم. روز ۲۷ جولای صبحی به اتفاق آقاعلی خان و آقاهاشم و حاج رحیم و غیره برای ملاقات حاج حسین به علی آباد رفتند.

درباب قتل

۲۹ ماه مذکور خبر رسید ملك فغانعلی رئیس طایفه را در قریه حسین آباد توی منزلش زه ان خواب تیر کرده اند. بیست و چهار ساعت فاصله فوت شد. از قرار مذکور به تحریک آقاهاشم بنی کریمی است.

درباب اجناس روسی

این دوسدروزه اجناس زیادی از قبیل قالی و قالیچه و اسباب مبل و ظروف کاردچنگال های نقره یاورشو تراکمه با ترکهای بادکوبه بداسترآباد وار کرده به قیمت نازلی بفروش می رسانند.

درباب چپاول

ایضاً سلخ ماه جولای طایفه اتابائی سدراُس مال و سه نفر آدم از قریه کریم آباد نیم فرسخی شمالی گرفته بردند. بدفاصله دو روز صاحبان مال ده تومان فرستاده تراکمه ساخلو مال و آدمها را آوردند.

نمره ۲۲

۱۱ ماه اگست ۱۹۲۱

درباب قتل

ژاندارم که در گرمابدشت پست گذارده باهم نزاع نموده یک نفر مقتول، نعش او را بدشهر آورد با احترام دفن می نمایند.

درباب اسیر

دویم اگست خبر رسید تراکمه اتابائی یک نفر رعیت را بامال از قریه سلطان آباد دوفرسخی شمالی بردند.

درباب جنگ سوادکوه

۴ ماه مذکور خبر رسید جنگ قزاق در سوادکوه امتداد پیدا نموده، سد چهارنفر پیش قراول قزاق را سوادکوهی زنده گرفته و چند نفر هم مقتول شده است. تاجه اقتضا کند.

درباب اغتشاش

ایضاً خبر رسید محمدنام ساکن قریه گرجی محله من محالات اشرف یاغی گردیده باسی نفر عده که برای خود فراهم نموده مشغول تاخت و تاز است. دو نفر از آدمهای

سردار جلیل را به قتل رسانیده و چند نفر ژاندارم را لخت کرده تنگ ویراق آنها را برده است. تاچه شود.

درباب قتل

شب پنجم ماه اگست ترکمان طایفه اتابائی بدقزید علوی کلاته یک فرسخی مشرقی رفته مالی را سرقت نمایند. صاحب مال بیدار شده سارق را تنگ زده مقتول [شد] و مال او را هم به سرقت بردند.

درباب حکومت

ایضاً قوام السلطنه به اعتصام الممالک و عموم اهالی تلگرافاً خطاب نموده حکومت استرآباد [را] واگذار نمودیم به نواب والا شاهزاده امیر اعظم. نواب معظم هم به اعتصام الممالک تلگراف می نماید مشغول رسیدگی امورات سرحدی بوده باشید عمأ قریب حرکت خواهم کرد، لکن عده ای از تجار بر علیه سردار اشرف - که حامی حکومت امیر اعظم می باشد - رضایت ندارند به حکومت امیر اعظم. به حاج شیخ حسین و کیل که در علی آباد دامغان آمده نوشته اند که به دولت پیشنهاد نماید امیر اعظم چون جوان است برای سرحد استرآباد خوب نمی باشد. دولت شخصی را معین نماید کار آزموده باشد. تاچه اقتضا کند.

درباب چپاول

نهم اگست تراکمه ایلغی یک بلوک گاو از قریه ترنگ تپه سد فرسخی مشرقی چپاول کرده بردند.

درباب پراخوت

چند روز است یک پراخوت که دارای قند و اجناس متفرقه می باشد کنار گموش تپه لنگر انداخته می خواهد بیرون بیاید. اهالی گموش تپه راه نمی دهند. تلگرافاً از اعتصام الممالک کسب تکلیف نموده جواب دادند بدون اجازه دولت حق ندارند از پراخوت خارج بشوند. تاچه اقتضا کند.

درباب تنزل

برنج در استرآباد تنزل نموده است. از کثرت ورود برنجهای گیلان در شاهرود صدمن تبریزی سی تومان است، در استرآباد بیست تومان.

درباب ورود

سردار اشرف بر حسب تلگراف نواب والا امیر اعظم نایب الحکومه و ریاست طایفه یموت را موفق شده است. روز دهم اگست وارد شهر گردیده، لکن اهالی به تحریک تجار مایل بدایشان و حکومت امیر اعظم نمی باشند.

نمره ۲۳

۲۵ اگست

درباب سرقت

شب سیزدهم ماه اگست دزد تراکمه اتابائی بدشهر آمده دو رأس گاو از محله بلوچ جنب دیوانخانه سرقت کرده بردند.

درباب تخلیه قونسلخانه

۱۴ ماه مذکور قوام السلطنه مجدداً به کفیل حکومت تأکید می نماید قونسول بالشویکی مأموریت استرآباد حرکت نموده قونسلخانه را تخلیه نمایند. چون عمارات دولتی تعمیر کافی از طرف اداره مالیه نشده است، لهذا اداره مالیه برای ضیق ۲۲۱ مکان عمارت حاج حسین آقا حاج امین الضرب را اجاره کرده اداره مالیه در آنجا رفته اند و عمارت آقا محمدخانی را که توقف داشته تخلیه و ژاندارم منزل نموده اند. نایب الحکومه قونسلخانه را تخلیه [کرده] و به عمارت کلاه فرنگی رفته منتظر ورود قونسول بالشویکی را دارند. تهیه و لوازمات پذیرائی را در بندر جزر نموده اند که اتحاد دولت ایران را با «سویت» روسیه محکم نمایند.

درباب تراکمه

سردار اشرف حسب الامر نواب والا امیر اعظم رؤسای طایفه یموت را احضار کرده دو نفر اسیر سرخونکلائی را هم تراکمه ایلغی همراه خود به شهر آورده. روز هیجدهم پنجاه نفر از تمام طوایف جعفربائی و اتابائی بودند. سردار اشرف مهربانی زیادی به ترکمانها نموده تماماً را همراه خود بدتلگرافخانه برده از حکومت نواب والا شرحی بدولت تلگراف رضایت مندی و امتنان می نمایند. مراجعت از تلگرافخانه سردار اشرف یکصد تومان بدتراکمه انعام و سفارشات نموده که چندی مواظبت نمایند کسی شرارت نکند.

درباب ورود

حاج شیخ حسین وکیل سه ماهه مرخصی گرفته بدشهرود وارد [شده] چندروزی توقف [کرده] بدعنوان بیلاق گردش... ۲۲۲ عالی آباد جمعی از تجار و غیره که از شهر رفته بود [ند] همراه بوده روز بیست و چهارم اگست کفیل حکومت استرآباد بیرون دروازه اسباب پذیرائی برای ورود حاج شیخ حسین فراهم کرده کلیه اهالی شهر استقبال می روند. مقارن غروب مشارالیه را با احترامات فوق العاده وارد نمودند. تاچدشود.

۲۲۱- اصل: ظیق.

۲۲۲- يك كلمه ناخوانا. ظاهراً: حرکت.

درباب آذوقه

رئیس‌الوزراء به کفیل حکومت تلگرافاً خبر می‌دهد حمل آذوقه را به روسیه جلو گیری نکنید. اجازه از طرف دولت داده شده. ترکمانهای جعفربائی هم جود و گندم زیادی خریده حمل به روسیه می‌نمایند. تاجچه شود.

نمره ۲۴۵

۸ ماه سپتمبر ۱۹۲۱

درباب روسها

بیست و ششم ماه اگست خبر رسید پراخوت تجارتنی از طرف بالشویکها وارد بندر جز گردیده جو و گندم زیادی خریداری نموده، سیصد رأس گاو زنده از قرار پوطی ندفران خریده حمل به روسیه نمودند.

درباب مازندران

بیست و هفتم ماه مذکور يك عده ژاندارم وارد گردیده اظهار می‌دارند [بعلت] جنگ در سوادکوه شصت نفر قزاق بایک نفر صاحب منصب مقتول گردیده، عده قزاق که از طهران وارد شد متهورانه ۲۲۱ یورش به اطراف سوادکوه آورده سد قریه معظم را خراب [کردند] آتش زدند.

درباب ترکمانها

شب ۲۹ ماه اگست هشتاد نفر ترکمان جعفربائی دونفر سارق را که در جهان نما مال و اموال چپاول کرده بودند دستگیر کرده خدمت سردار اشرف آوردند. فوراً از طرف نظمیه چند نفر آژان رفتند سارقین را به محبس بردند. نفری سه تومان به ترکمانها انعام داده قرار شد مالهای مسروقه را هم گرفته بیاورند. تاجچه اقتضا کند.

درباب خبر

منتشر است کلنل محمدتقی خان در خراسان استقلال یافته دوازده هزار نفر قشون مسلح دارد. به قرب هزار نفر از بربریها اتباع دولت فخریه از کارکنان معزیه الیه هستند. ضمناً با سردار معزز بجنوردی رشته اتحاد را محکم نموده ایشان هم بامهدی شاه ایلیخانی اتحادی کرده وعده ژاندارم که در استرآباد و مازندران هستند خیلی میل دارند ملحق به ایشان بشوند. از قرار مذکور پیش قراول معزیه الیه در میاندشت و عباس آباد آمده است مأمورین دولت را مانع از رفتن بدخراسان می‌باشند. تاجچه شود.

درباب ورود

ایضاً يك پراخوت تجارتي به توسط بالشویکها وارد بندر گردیده کماندر ۲۲۴ پراخوت به اتفاق مهدی خان کار گزار سیم ماه سپتمبر وارد به شهر گردیده روز چهارم ماه مذکور حاج شیخ حسین وکیل را ملاقات می نماید و اظهار می دارد يك پراخوت مال التجاره از قبیل قند و ظروف لعابی و آهن و استکان وارد نموده میل دارد با برنج معاوضه نماید. سده شب توقف داشته اشخاصی که بالشویک پرست بوده از کماندر مذکور بازدید کرده مراجعت بندر جز نمودند. تاجه اقتضا کند.

درباب سردا اشرف

ایضاً دو بیست نفر تراکمه جعفر بائی مالهای مسروقه را به شهر آورده دو نفر سارق را تمنا نموده سردار اشرف ایشان را بخشیده، خنفته از پانصد تومان به آنها داده سی نفر سوار از جعفر بائی همراه برداشته و بیست نفر ژاندارم برای ملاقات امیر اعظم روز چهارم سپتمبر به شاهرود رفتند.

درباب امیر اعظم

نواب والا وارد شاهرود گردیده برای جاوگیری از پیش قراول کلنل محمد تقی خان فوراً دو بیست نفر ژاندارم با دو عراده توپ از استرآباد احضار می نماید. اداره ژاندارم کسب تکلیف از طهران می نماید، جواب رسید و گروهان با دو عراده توپ به شاهرود بروند. تاجه شود.

درباب مساعدت

دولت علیه ایران کلیه عقیده بالشویکی را از دست نداده با فرقه بالشویکی متحد است. پانصد خروار شلتوک مالیات استرآباد در طهران با وزیر مختار بالشویکی قرارداد و معامله نموده اند [که] اول برج عقرب در استرآباد تسلیم نمایندگان بالشویکی نمایند. تاجه اقتضا کند.

نمره ۲۵۵

۲۲ سپتمبر ۱۹۲۱

درباب خبر

دهم ماه سپتمبر خبر رسید اسمعیل خان سواد کوهی که فرار نموده بود مراجعت نموده مجدداً مشغول تهیه و جمع آوری سوار و ایلجاری می باشد.

درباب ورود

منصور الممالک رئیس عدلیه استرآباد که معزول شده به طهران رفته ۱۲ ماه مذکور به ریاست عدلیه مراجعت نمودند.

درباب وکیل استرآباد حاج شیخ حسین

حاج شیخ حسین که هفت سال است به عنوان وکالت منتخب شده تجار و کسبه استرآباد رضایت مندی از مشارالیه داشته [اند] لکن ورود در استرآباد بعد از چند روز که از دیدن بازدید خلق آسوده شد به مدرسه قائمیه رفته برای تشویق اطفال و اهالی نطق نمودند متاع و مال التجاره که برای تجار وارد می شود باری یک قران به مدرسه سعادت اعانه بدهند. از شنیدن این حرف رنجش اهالی فراهم شده در ضمن هم چون مبلغ فرقه بالشویک است اکثر مردم نسبت به مشارالیه بدوزشت می گویند. معلوم است حاج شیخ حسین در طهران بفرقه بالشویک پرستان بر علیه دولت انگلیس مأموریتی برای خود اتخاذ نموده بکلی مملکت را آشوب نمایند. چنانکه ۲۲۵ همه هفته باصمصام السلطنه ارسال و مرسول دارد. ار مشهد کلنل محمد تقی خان هم برای او مکتوب و روزنامه می فرستد. در مجالس علناً به دولت انگلیس توهین می نماید و می گوید اول کسی که قرارداد دولت ایران را نقض نموده من بودم. تاچه اقتضا کند.

درباب نزاع

ایضاً خبر رسید دو نفر از طایفه قجق یک نفر تراکه آقاولی را تیر کرده، طایفه مذکور فوراً به طایفه قجق یورش آورده دو نفر مقتول و یک نفر اسیر [شده] د. و بلوک گاوچپاول کرده بردند.

درباب خبر

۱۶ ماه سپتمبر خبر رسید سه هزار سوار قزاق و دو عراده توپ وارد شاهرود گردیده قبل از ورود اره و عسکر خان صولت لشکر باعده ای سوار از پیش قراول کلنل محمد تقی خان در میاندشت جلوگیری کرده، لکن نتوانسته مقاومت نماید. عقب نشستند. تاچه اقتضا کند.

درباب حکومت

هفدهم ماه سپتمبر نواب والا امیر اعظم از شاهرود حرکت می نماید. امیر امجد باسی نفر سوار شخصی از کتول در تاش استقبال رفته، روز بیستم ماه مذکور از طرف اعتصام الممالک کفیل حکومت میرزا علی اکبر خان و آقا علی خان وعده زیادی از طبقات اداری برای پذیرائی در خیرات دوفرسخی مشرقی رفته مقارن غروب نواب والا وارد شدند، شب را توقف کرده روز بیست و یکم سپتمبر مقارن ظهر وارد گردیده. نه کجاوه

اهل و عیال همراه دارند. اجزای حکومتی پنجاه نفر متجاوز هستند. باین عدد زیاد، جوانی بی تجربه، با دوسه فرقه بودن استرآبادیها خالی از اشکال نخواهد بود. تاچه شود.

درباب نزاع

ایضاً خبر رسید مجدداً بین طایفه قجق و سلاخ و تاتار جنگ شده شاترده نفر ر طایفه قجق و تاتار مقتول شده، یک نفر از طایفه آقاولی تیر گرفته شده سال است که خدمت بین این طایفه بدستگیری طایفه جعفربائی شده است. اول پائیز مشغول جنگ هستند اوایل بهار متفرق می شوند.

نمره ۲۶۵

۲۹ سپتمبر ۱۹۲۱

درباب مبادله

چند طغری تلگراف هیأت دولت به کفیل استرآباد برای مبادله جنس با روسها نموده اند. ورود امیر اعظم تجارگوش تپه مطاب را به حکومت استرآباد پیشنهاد نموده و اجازه از حکومت حاصل شده است که حمل نمایند. لکن حمل جودو گندم این چند روزه ترقی فاحش نموده گندم را باری هشت تومانی می خرند، جورا باری چهار تومانی. در صحرا جورا شش تومانی، گندم را بوطی دوازده هزار می خرند.

درباب نزاع

بعد عرض رفتند بود طایفه آقاولی با طایفه قجق مشغول جنگ هستند. چون مقدمه کلی بدطایفه قجق وارد شده است، لهذا قضات جعفربائی به واسطه هر طایفه بودن با قجق تعصب ورزیده حکم نموده اند در گموش تپه جار کشیدند اولاً اساجه بدطایفه اتابائی نشرو شدند، ثانیاً در اول خاک اتابائی تهیه از رزمی گرفته جنگ نمایند. در ضمن ۲۲۶ طایفه جعفربائی یک باوک گاو از طایفه اتابائی چپاول کرده، طایفه مذکور هم تقاضا نموده چند عرابه با مال التجاره تجارگوش تپه را گرو نموده بردند. تواب والا امیر اعظم کاغذی خطاباً به مهدی شاه ایلیخانی نوشته فرستادند: ترا کمه کلیه رعیت ایران هستند و محافظت آنها لازم است. نزاع به جهت می شود. ان شاء الله با عده سوار خودتان در طوایف بموت رفته مابین را اصلاح... ۲۲۷ نمائید.

درباب ورود

بیست و هفت ماه سپتمبر دو بیست نفر قزاق بایک سلطان فرمانده وارد استرآباد

۲۲۶- اصل: ضمن.

۲۲۷- سه گاهه دنباله مطالب در عکس محور شده است و قابل خواندن نیست.

گردیده روز بیست و نهم مال برای بنه حاضر کرده حرکت به شاهرود نمودند. عده کلنل ۲۲۸ محمدتقی خان در حیدرآباد دوفرسخی عباس آباد با تهیه وقورخانه کافی سنگربندی نموده اند. يك عده هشتصدنفری قزاق هم به سمت میاندشت حرکت نموده اند.

درباب ورود

نواب محسن میرزا رئیس مالیه استرآباد به علت بداخلاقی با اجزاء شخصی و ادارہ جات معزول [و] سید عبداللہ خان که سابقاً منشی اول بانك استقراضی بوده به جای ایشان منصوب [شده] وارد استرآباد شدند.

نمر ۲۷۵

۱۰ ماه اکتبر ۱۹۲۱

درباب سرقت پست

پست مقررہ کہ هفته قبل عازم طهران بوده است به موجب صورت دفاتر پستخانه و قبوض یازده هزار تومان خرده وجه طلا و امانت داشته، بعضی تجار اضافه از این مبلغ به پستخانه قبض امانت نداشته، لهذا غلام پست تارباط سفید کہ هفت فرسخی استرآباد است رفته و منقود شده است. از قرار معلوم سرقت پست یا به توسط ژاندارم می باشد یا مرتکب قزاق است کہ از استرآباد به شاهرود می رفتند. تاچه شود.

درباب قتل

شب غره ماه اکتبر چند نفر ژاندارم تهیه رفتن به مشهد را داشتند. يك نفر آژان ۲۳۰ نصف شب با حال مستی درب مخزن رفته از قراول تفنگ مطالبه می نماید قراول نمی دهد. باهفت تیر و کیل قراول را مقتول [ساخته] شش نفر آنها فراراً از راه فندرسك به سمت کلنل محمدتقی خان رفته چند نفر را گرفته حبس کردند.

درباب بندر جز

حکومت استرآباد بزرگ خان معاون بندر جز را احضار [کرده]، یکصد و پنجاه تومان برای حکومت بندر جز تقدیم [داشته] و به حکومت منصوب گردیدند.

۲۲۸- اصل: کرنل.

۲۲۹- پس ازین نوشته است «مطلب فوق مقدم بر رابرت ذیل است» ولی ما دنباله را عم جنانکه

تحریر شده است آورديم.

۲۳۰- اصل: آجدان.

درباب قراقران

برای محافظت خطراه گموش تپه تایکه مازو مسافت دوفرسخ که محل دزدگاہ بود، لهنه تصویب نمودند دوازده نفر از رعیت حول وحوش ۲۳۱ شهر را ماهی دوازده تومان حقوق قرار داده روزها خط مزبور را محافظت نمایند.

درباب طلای مسکوک و غیره

مالالتجاره روسیه منحصر شده است به آوردن نفت و طلای شمش قاچاقی و آهن بدگموش تپه وارد کرده در عوض جو و گندم حمل می نمایند. لیکن گمرک را در استرآباد از قرار صدی بدہشت تومان می گیرند. نفت ترقی دارد پوطی هیجده قران می فروشند و شمشهای طلا را که سابقاً یک سیر تبریز در هیجده تومان بفروش می رسید حالیہ درسی تومان می خرند. تماماً حمل بدہمهران و خط خراسان می شود.

درباب تراکمه

ہفتم ماداکتبر بدقرب پنجاه نفر از ترکمانهای آقاولی امتثال امر نواب والاراً نموده جنگ با طایفه قجق را مسکوت العقده ۲۳۲ گذارده بدشهر آمدند. امیر اعظم پذیرائی از عموم آنها نموده ہر یک را [بہ] طاقہ شالی مخلع ساخته در ضمن ۲۳۳ خبر رسید دونفر ترکمان اتابائی دونفر رعیت معصوم آبادی را کہ متعلق بہ حاج شیخ حسین وکیل است تقاضا نموده یک نفر مقتول و دیگری مجروح کہ مشرف بدہوت است. نواب والامر تکب را از طایفه آقاولی می خواهد و سوارہائی روز ہشتم ماد مذکور بدطایفه اتابائی رفتہ شبانہ یک نفر قاتل را دستگیر کردہ، یک نفر دیگر فرار و چند سوار تعاقب او فرستادہ صبح نهم اکتبر متارن غروب قاتل رامغولاً وارد بدشهر و شلیک تفنگ زیادی نموده رضایت خاطر ۲۳۴ نواب والاراً فراہم نمودند. تاجہ اقتضا کند.

درباب جمہوریت

حاج شیخ حسین وکیل در استرآباد انجمن معارف را دایر و تشکیل مدرسہ دادہ عدہ شاگردان ہشتاد نفر و تشویق اہالی فوق العادہ شدہ است، لاکن بودجہ مرتب ندارد و ضمناً ہفتہ یک مرتبہ معظم الید انجمن نموده بہ اتفاق آقارہ ضانعلی و حاج رحیم و معاون کارگزار می میرزا شکر اللہ و آقاعلی خان مقصودلوی باحبیب اللہ خان و آقاہاشم و شیخ اسمعیل قاضی اظہار فرقہ جمہوریت و مردم را دعوت می نمایند و علناً بر علیہ دولت انگلیس رفتار [می کنند] و حرفتہای دروغ نزد مردمان جاہل و نادان اظہار می دارد.

۲۳۱- اصل: عوش.

۲۳۲- اصل: مسکوت الافہ.

۲۳۳- اصل: ظمن.

۱۳۴- اصل: خراطر.

می گویند اوایل ما ایرانیها خیال می کردیم دشمن ما دولت روس است و خداوند مساعدت کرد دولت روس را منهدم ساخت. بعد معلوم شد که دشمن ما انگلیس است. ما هم چون دیدیم انگلیس دشمن قدیمی می خواهد ناموس ما را که آب و خاک ایران است ببرد، لهذا متفق شدیم و تیر بر چشم انگلیسها زدیم، یعنی از خودمان دور کردیم. بعد ملاحظه کردیم همان دولت روس برای ما بهتر است. لهذا با دولت سویت عقد اتحاد را بستیم جاناً و مالا حاضریم. این نطق حاج شیخ حسین و کیل استرآباد است.

نمره ۲۸۵

۲۴ ماه اکتبر ۱۹۲۱

درباب ورود

تلگرافاً به امیر اعظم خبر دادند قونسول بالشویکی سه روز دیگر وارد بندر خواهد شد. نواب والا چون اهل و عیال را در قونسولخانه روس وارد کرده بودند لهذا مجبور شده توی شهر خانه مرحوم ساعدالسلطنه را اجاره کرده اندرون را به آنجا برده قونسولخانه را تخلیه نمودند.

درباب قتل

به عرض رفتند بود تراکمه اتابائی دونفر رعیت حاج شیخ حسین را به قتل رسانیده و یک نفر ترکمان قاتل را خدمت امیر اعظم آورده حبس است. ضمناً ریش سفیدان طایفه اتابائی خدمت حکمران آمده عارض شدند اکبر نام ملازم آقاعلی خان دونفر اتابائی را به قتل رسانیده حسب الامر او را هم به شهر حاضر کرده حبس نمودند، لکن جوان بیست و پنج سال شب و روز مشغول عیش و شکار رفتن است. یک نفر معاون دارد مشغول کارهای حکومتی است. [بعثت] نداشتن پول کلید ادارات باطل [اند]، خصوصاً حکومت امیر اعظم دوشب قبل را فرستاده یکصد تومان از وکیلالتجار قرض نموده است. تراکمه اتابائی هم دو فرقه شده اند، یک طرف با جعفر بائی نزاع داشته در عوض گاوهایی مسروقه نه عرابه مالالتجاره را گرفته و کرده گاوها را آورده عرابدها را مسترد نمودند. در ضمن اهالی شهر چند فرقه هستند. فرقه جمهوری - فرقه بالشویکی - فرقه دهو کراتی - فرقه اعتدالی، تماماً بر ضد هم رفتار می نمایند.

درباب بندر جز

شاهردهم ماه اکتبر خبر رسید دوسه پراخوت تجارتهی وارد از قبیل ظروفالعابی و چینی و استکان و قند به قریب دو زده هزار تومان وارد بندر، معاوضه بایر نج و جو و خشکبار، مرغ و جوجه و تخم نموده رفتند.

درباب قونسول وینر ۲۲۵

هفدهم خبر رسید «وینر» قونسول باپراخوت پست‌وارد در عشاء داده، اسباب و مبیل زیادی از تخت و مندلی و میز و جعبه‌های تفنگ و غیره بیست‌عرا به حمل به استرآباد [کرده] روز بیستم ماه اکتبر وارد بندر جز [شده] از آمدن از مشارالیه پذیرائی نموده به فاصله دو ساعت بندر را گردش نموده به اتفاق رئیس گمرک بندر مراجعت در پراخوت [نموده] شب بیست و یکم ماه مذکور بدقرا سو آمده میهمان آقاخان ترکمان بوده، شب بیست و دویم اکتبر با سفینر بالشویک با لباس غیر رسمی وارد بدقونسالخانه گردیده چند نفر اجزاء [را] که سابقاً در استرآباد داشتند احضار [کرده] مشغول اصلاحات قونسالخانه و تعمیرات می‌باشند. تاچه اقتضا کند.

درباب خبر

ایضاً خبر رسید بعد از ورود قونسول یک پراخوت تجارتهی بایک پراخوت جنگی وارد، تردیکی بندر جز لنگر انداخته‌اند. تاچه شود.

نمره ۲۹۰

سلخ ماه اکتبر ۱۹۲۱

درباب قونسول بالشویکی

[از زمان] ورود به استرآباد تاکنون از تمام علمایان و تجار و اشراف دیدن نموده، مقصود کلی دوستی و اتحاد دولت بالشویکی با دولت ایران است. لاکن اول از حاج شیخ حسین دیدن نموده به اغوای حاج شیخ حسین انجمن محرمانه در استرآباد دایر گردیده، بعضی به عنوان جمهوریت و برخی به عنوان بالشویکی. تاچه اقتضا کند.

درباب نزاع

بیست و هشتم ماه اکتبر خبر رسید پنج فرسخی شمالی زیر حد گران تراکمه اتابائی با جعفر بائی تصادف نموده دوفتر از طرفین مقتول شدند.

درباب قونسول بالشویکی

ایضاً ده‌گاری اثاثیه از دریا حمل بدقونسالخانه گردیده. میز و مندلیها و نیمکت و مندوقتهای بسته که تمام آنها اموال چپاول شده می‌باشد، اسم قونسول مزبور وینر [ست]. چندسال کمندر ۲۲۶ پراخوت بوده و اکثر مسافرت بندر جز را داشت، وضع جغرافیائی بحر

۲۳۵ - چنین خوانده می‌شود.

۲۳۶ - (= کماندور).